



تبیین وضعیت مشارکت اجتماعی شهروندان کاشان

محسن نیازی*

چکیده

در این مقاله وضعیت مشارکت اجتماعی مردم شهر کاشان تحلیل شده است. هدف این بررسی بیان خاستگاه نظری این مفهوم به منزله یکی از مفاهیم کلیدی در ادبیات علوم اجتماعی از جهات نظری و نیز چگونگی سنجش عملی آن و بررسی تجربی آن در حوزه مورد مطالعه است. علاوه بر آن، شناسایی و تبیین میزان مشارکت اجتماعی و نیز شناسایی ابعاد و الگوهای مشارکت در جامعه مورد مطالعه از اهداف اصلی این مطالعه می باشد. با بیان مؤلفه های مربوط به مشارکت اجتماعی و تعیین سطوح و اجزای مربوط به آن تعریف عملی و آزمون تجربی آن امکان پذیر و با جمع آوری داده های لازم از حوزه مورد مطالعه وضعیت مشارکت اجتماعی مطالعه و بررسی شده است. یافته های تحقیق در ارتباط با جامعه مورد بررسی، دیدگاه مشارکتی بودن ایرانیان در امور خانوادگی، محلی و مذهبی و نامشارکتی بودن آنان در امور عمومی و اجتماعی را تأیید می کند.

واژگان کلیدی

کاشان، مشارکت اجتماعی، توسعه اجتماعی، مسئولیت پذیری، انجمن های داوطلبانه

تبیین وضعیت
مشارکت
اجتماعی
شهروندان
کاشان

◀ مقدمه

مشارکت اجتماعی امروزه به عنوان مؤلفه اصلی توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع انسانی است و مفهوم و موضوع آن بخشی از ادبیات توسعه را تشکیل می دهد. در تئوری های توسعه، مشارکت مردمی پیش نیاز اصلی هر طرح و برنامه موفقیت آمیز در بهبود زندگی مردم و پیشرفت جامعه تلقی می شود.

مشارکت از دیرباز با زندگی انسان پیوند داشته است. توجه به پدیده مشارکت اجتماعی از دو دهه سال پیش در نظام های سیاسی و اجتماعی جوامع غرب راه یافت. لیکن، توجه به پدیده مشارکت و تأکید بر نقش آن به عنوان یکی از عوامل اصلی توسعه در جوامع در حال توسعه، تا حد بسیار و پس از شکست راهکارها و برنامه های توسعه در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ می باشد. در بررسی و ارزیابی این برنامه ها، عدم بهره گیری از مشارکت مردمی، به عنوان عامل اصلی شکست برنامه های توسعه ارزیابی شده است. لذا، پس از آن، استراتژی های توسعه با اتکاء به نیروی مشارکت مردمی مورد تأکید قرار گرفت و از آن پس، سازمان های بین المللی توسعه بر رویکرد مشارکت مردمی به عنوان نیاز اصلی بشر تأکید نمودند. امروزه به مشارکت به عنوان مؤلفه اصلی و تفکیک ناپذیر توسعه نگریسته و روز به روز بر اهمیت و ضرورت آن بیشتر تأکید می شود، به گونه ای که در گزارش توسعه انسانی^۱ برنامه توسعه سازمان ملل متحد^۲ (۱۹۹۳) عنوان شده است «موضوع مشارکت مردم، رفته رفته به صورت مسأله اصلی زمان ما در می آید» (آتال، ۱۳۷۹: ۲۷). بر این مبنا، نگرش نوین توسعه با تأکید بر اهمیت نقش مردم در فرایند توسعه و با رویکرد توسعه درون زا، به مردم به عنوان عناصر فعال و خلاق در روند توسعه می نگرد. بر این اساس است که در اهداف استراتژی های توسعه «اعتقاد به لزوم مشارکت فعال قشرهای وسیع جامعه در تصمیم گیری های سیاسی و اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است» (عظیمی، ۱۳۷۳: ۵۲).

فرایند مشارکت به عنوان یک نظام کارکردی در سطوح کلان، میانی و خرد با کارکردهای افزایش ثبات اجتماعی، تقویت روحیه همبستگی و کاهش تعارضات گروهی، از بین بردن فرهنگ حاشیه نشینی، شکوفایی استعدادها و بروز خلاقیت، بسط

ارزشهای دموکراتیک، سهمین شدن در منابع قدرت و تقویت روحیه مسئولیت پذیری همراه است. رهنما^۳ با تأکید بر نقش کلیدی مشارکت در توسعه انسان محور^۴، چهار کارکرد شناختی، اجتماعی، سیاسی و ابزاری برای مشارکت قائل است. بر حسب کارکرد شناختی، مشارکت مولد گفتمان و عملیات مربوط به توسعه ای است که مبتنی بر شیوه متفاوتی از فهم واقعیت های مربوط به توسعه است. در این خصوص، نظام شناختی که بیانگر میراث فرهنگی و دانش محلی خود مردم باشد، اهمیت می یابد. به لحاظ اجتماعی، مشارکت به گفتمان توسعه حیات جدیدی بخشیده و می تواند نهادها، گروه ها و افراد درگیر در فرایند توسعه را در قالب سازه ای جدید قرار داده و به آنها توانمندی لازم جهت برآوردن نیازهای اصلی اعطا نماید. از بُعد سیاسی، مشارکت می تواند به واسطه توانمندسازی افراد فاقد قدرت (PowerLess) و خاموش (Voiceless) منبع مشروعیت بخشی به توسعه باشد. به لحاظ ابزاری، رویکرد مشارکتی با آگاهی از نقصان های راهبردی سنتی و متعارف توسعه و با بهره گیری از فرایند توانمندسازی، آسیب پذیران را به مراقبت از خودشان فرا می خواند (رهنما، ۱۹۹۹: ۱۲۱). «گالت»^۵ مشارکت مردمی را به عنوان جزء حیاتی استراتژیهای توسعه دانسته و آن را واجد سه عملکرد عمده می داند؛ از دیدگاه وی، مشارکت اجتماعی، اولاً نحوه برخورد غیر ابزاری دولت با مردم و احساس ارزشمندی را تضمین می کند؛ ثانیاً مشارکت به عنوان وسیله ارزشمندی برای بسیج، سازمان دهی و تعالی بخشیدن به فعالیتها توسط خود مردم به عنوان حلال اصلی مشکلات در شرایط اجتماعی خود، به شمار می رود. علاوه بر آن، مشارکت به مانند کانالی عمل می کند که گروه ها و جوامع محلی می توانند از طریق آن به عرصه های کلان و بزرگ تر تصمیم گیری دسترسی پیدا کنند. از دیدگاه گالت: «بدون مشارکت، تدبیرهای توسعه هم غیر مردمی و هم بی نتیجه خواهد بود» (گالت، ۱۹۹۵: ۱۰۱).

در مورد زمینه های فکری مشارکت، میدگلی^۶ معتقد است مشارکت اجتماعی ایده ای کاملاً ایدئولوژیکی است که بازتاب اعتقادات ناشی از نظریه های اجتماعی و سیاسی در خصوص اینکه جوامع چگونه باید سازماندهی شوند، می باشد و منطق آن مبتنی بر واکنش در برابر تمرکزگرایی، دیوان سالاری، انعطاف ناپذیری و در دسترس

نبودن دولت است. به نظر اولسن^۷ نظریه مشارکت اجتماعی حاصل ایده گسترده کثرت گرای اجتماعی (Social Pluralism) است که نظریه پردازانی چون توکویل^۸ (۱۹۶۱)، ترومن^۹ (۱۹۵۱)، دال^{۱۰} (۱۹۵۶)، لیپست^{۱۱} (۱۹۵۶)، کورنئوزر^{۱۲} و نیزبت (۱۹۶۲) آن را توسعه داده اند. کرافت و بیراسفورد تحولاتی چون ظهور جنبشهای اجتماعی جدید، تأمل و بازنگری در مورد نیاز انسان، ظهور مجدد ایده شهروندی و فرانوگرایی (Post modernism) را موجب توجه به ایده مشارکت دانسته اند، ولی آنچه به صورت عام مورد توجه صاحب نظران قرار گرفته است اندیشه های مربوط به دموکراسی است که مهم ترین تأثیر را به لحاظ فکری در گسترش نظریه مشارکت اجتماعی داشته است.

علاوه بر این، به لحاظ فکری اندیشه های مردم گرا که از در حاشیه قرار گرفتن مردم عادی بحث می کنند و نیز نظریه های مربوط به آنارشیسم که متضمن دیدگاههای ضد دولت گرایی می باشند و مهم تر از این به تعبیر چمبرز: «تحول پارادایم های توسعه که از آن به مثابه انتقال از پارادایم اشیاء به پارادایم مردم که محور توسعه را مردم قرار می دهند»، در بسط نظریه مشارکت اجتماعی نقش بسزایی داشته اند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۵ و ۶).

◀ تحلیل نظری مشارکت

تاکنون از مشارکت تعاریف و تفسیرهای بسیاری شده است. گستردگی مفهوم مشارکت و تفسیرهای متعدد از آن، یکی از ویژگیهای خاص این مفهوم است و قدمت این واژه به دیرینگی زندگی اجتماعی انسانها برمی گردد. سرجل^{۱۳} (۱۹۷۰) خاطر نشان می سازد: «مشارکت در تصمیم گیری در بسیاری از کشورها مفهومی دل انگیز است، اما تقریباً بیشتر افرادی که این اصطلاح را به کار می برند به طور متفاوتی درباره آن فکر می کنند» (رهنورد، ۱۳۷۸: ۷). به نظر هال^{۱۴} تعارض بین دیدگاههای عمل گرایانه^{۱۵} و دیدگاههای عمدتاً فلسفی از مشارکت موجب شده که مفهوم مشارکت تبدیل به یک مفهوم چند وجهی و در طی زمان با معانی متفاوتی هویدا شود» (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۱۲).

اصطلاح مشارکت را آلن بیرو^{۱۶} به معنای «سهمی در چیزی داشتن، از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن تعریف کرده است» (بیرو، ۱۳۷۰: ۲۵۷). به نظر سالیما عمر، فرایند مشارکت، مداخله و کنترل بیشتر مردم به تعیین آنچه از دیدگاه خود مردم یک زندگی بهتر را تشکیل می دهد، منجر خواهد شد.

بنیادی ترین اندیشه زیرساز مشارکت پذیرش اصل برابری مردم است و هدف از آن،

همفکری، همکاری و تشریک مساعی افراد برای بهبود کمیت و کیفیت زندگی در تمامی زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. مشارکت فراگردی است که از راه آن مردم به دگرگونی دست می‌یابند و دگرگونی را در خود پدید می‌آورند؛ مشارکت در چنین مفهومی بر رشد شخصیت انسانی تأکید نموده و به عنوان «راهبردی به شمار می‌آید که فرصتهای نیکویی می‌آفریند تا مردم برای از میان برداشتن دشواریها و گشودن مرزهای بسته به راههای تازه دست پیدا کنند» (طوسی، ۱۳۷۰: ۵). فرایند مشارکت به صورت «فراگرد نیرومندسازی» به سه ارزش بنیادی سهیم کردن مردم در قدرت، راه دادن مردم به نظارت بر سرنوشت خویش و بازگشودن فرصتهای پیشرفت به روی مردم تأکید دارد. یکی از با ارزش‌ترین جنبه‌های مشارکت، از میان بردن حاشیه‌نشینی و شکوفا نمودن نیروی ابتکار و خلاقیت در انسانهاست.

همان‌گونه که دونالد مایکل^{۱۷} بیان داشته است: «انسانها زمانی بیشتر به خود اعتماد پیدا می‌کنند، بیشتر از خود مایه می‌گذارند و آرمانهای خلاق ارائه می‌دهند که در فرایند تصمیم‌گیری در رابطه با زندگی خودشان مشارکت پیدا کنند. در اینجا است که یاد می‌گیرند با زندگی خود با آگاهی برخورد کنند» (عظیمی رضانی، ۱۳۷۷: ۴۷).

برای روشن شدن بیشتر معنای مفهومی مشارکت به برخی از تعاریف ارائه شده توسط صاحب‌نظران اشاره می‌شود. فرنچ^{۱۸} جامعه‌شناس فرانسوی مشارکت را عبارت از: «درگیر شدن ذهنی و عاطفی یک فرد در یک وضعیت گروهی که این درگیری او را تشویق و برانگیخته می‌کند تا به هدفهای گروه کمک کند و خود را در مسئولیتهای آن گروه نیز سهیم بداند و برای به سرانجام رساندن مقصود گروه تفکر و تلاش کند»، می‌داند (انصاری، ۱۳۷۵). همچنین وار^{۱۹} (۱۹۷۵) بر اساس گرایش روانشناسی اجتماعی، مشارکت را با عنوان «درگیری در فعالیت و تأثیرپذیری اجتماعی تعریف کرده است» (آزاد ارمکی، ۱۳۷۲). از دیدگاه آلموند^{۲۰} و پاول^{۲۱} «فعالتهای مشارکت جویانه^{۲۲} آن دسته فعالیت‌هایی است که شهروند معمولی می‌کوشد از راه آنها بر روی سیاستگذاری اعمال نفوذ کند» (آلموند و پاول، ۱۳۸۰: ۱۳۸).

برخی از تعاریف مشارکت، به نقش مشارکت در توزیع مجدد قدرت اقتصادی و سیاسی در روند توسعه جامعه تأکید دارند. از نظر عبدالرحی مشارکت در حکم وسیله‌ای برای گسترش و توزیع دوباره فرصتها به منظور مشارکت در تصمیم‌گیری اجتماعی و کمک به توسعه و بهره‌مند شدن از ثمرات آن است. از دیدگاه الغنمی، مشارکت یکی از مشکل‌ترین و بحث‌انگیزترین موضوعات توسعه بوده و بنابراین، مورد قضاوت‌های ارزشی

قرار گرفته است. وی مشارکت در بعد سیاسی - اجتماعی را «شرکت در تصمیم‌گیری از طریق سازمانها به انتخاب خود»، بیان نموده است (الغمی^{۳۳}، ۱۳۷۲: ۶۰). آرنشتاین^{۳۴} مشارکت را نوعی توزیع مجدد قدرت قلمداد می‌کند که «به سبب آن شهروندانی را که در حال حاضر در فرایند سیاسی و اقتصادی کنار گذاشته شده‌اند، قادر می‌سازد تا به تدریج در آینده شرکت داده شوند» (اوکلی و مارسدن، ۱۳۷۰: ۳۳).

از دیدگاه یومال^{۳۵} «مشارکت در مفهوم گسترده‌اش برانگیختن حساسیت مردم و در نتیجه به معنی افزایش درک و توان آنان برای پاسخگویی به طرح‌های توسعه و نیز به معنای تشویق ابتکارات محلی است» (پاتریک، ۱۳۷۴: ۱۱۹). گائوتری^{۳۶} مشارکت را فرایندی عمومی، یکپارچه، چندگانه، چند بعدی و چند فرهنگی که هدف آن کشاندن همه مردم به ایفای نقش در همه مراحل توسعه است بیان نموده است (ازکیاو غفاری، ۱۳۸۰: ۱۳).

دارام‌گای^{۳۷} با الهام از دیدگاه‌های گرن^{۳۸} (۱۹۸۳)، اوکلی^{۳۹} (۱۹۸۳) و مارسدن^{۴۰} (۱۹۸۴) بین سه تعریف از مفهوم مشارکت تفاوت قائل شده است. یک کاربرد این کلمه به بسیج مردم برای به عهده گرفتن پروژه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی اشاره دارد. معمولاً این پروژه‌ها از بالا اندیشیده و طراحی شده‌اند و مردم برای اجرای آنها بسیج می‌شوند؛ تفسیر دوم، مشارکت را با تمرکز زدایی در دستگاه دولتی و یا در سازمانهای مربوط به آن برابر می‌گیرد؛ سومین نظر، مشارکت را به عنوان فرایند اختیار دادن به جدا افتادگان و محرومان می‌شناسد. وی مشارکت در این مفهوم را مستلزم ایجاد سازمانهای دموکراتیک، مستقل و خوداتکایی فقیران بیان داشته است (گای، ۱۳۷۱: ۶۲ و ۶۳).

برخی از صاحب‌نظران، در تعریف و تبیین فضای مفهومی مشارکت به ویژگیهای اساسی این مفهوم تأکید نموده‌اند. همچنان که موريس اکسلرد^{۴۱} بیان داشته است: «اصطلاح مشارکت داوطلبانه برای گروه‌های خاصی به کار می‌رود (همان‌گونه که از مجامع دولتی متمایز می‌شود)، ورود به آنها بر پایه انتخاب افراد قرار دارد (همان‌گونه که از شکل‌هایی مانند خانواده متمایز است) و نیز به مشارکتهای گروهی غیر سودآور محدود می‌شود (همان‌گونه که از مؤسسات پرمفعت متمایز می‌شود)» (اکسلرد، ۱۹۵۰: ۱۴). مردوخی، مهم‌ترین ویژگی فعالیت‌های مشارکتی را داوطلبانه بودن آنها دانسته و اظهار می‌دارد: «می‌توان فعالیت‌هایی را که افراد به اقتضای شغل و وظیفه، نفع مستقیم شخصی در کوتاه مدت، اجبار مستقیم یا غیرمستقیم، اجبار ملموس یا غیر ملموس و عافیت طلبی شخصی

انجام می دهند، خارج از موضوع مشارکت دانست». از نظر وی، مشارکت سیاسی و اجتماعی با میزان ارتباط فعال افراد با نهادهای شورایی و مردمی، انجمنها و فعالیتهای محلی مشخص می گردد (مردوخ، ۱۳۷۳: ۷۲). محسنی تبریزی در تعریف مشارکت اجتماعی به ارادی بودن فعالیتهای مشارکتی تأکید نموده است. از نظر وی، مشارک اجتماعی «به آن دسته از فعالیتهای ارادی دلالت دارد که از طریق آنها اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا شرکت کرده و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی مشارکت دارند» (محسنی تبریزی، ۱۳۶۹: ۱۰۸).

انجمنهای داوطلبانه مهمترین عرصه شکل گیری و سامان دهی فعالیتهای مشارکتی در جامعه محسوب می گردد، از این نظر، مشارکت اجتماعی ارتباط تنگاتنگی با جامعه مدنی دارد. سعدالدین ابراهیم (۱۹۹۵) جامعه مدنی را «بیشینه سازی مشارکت جمعی سازمان یافته اختیاری در عرصه عمومی مابین افراد و دولت» می داند (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۸۸). مولیناس^{۳۳} مداخله موفقیت آمیز جامعه مدنی در جریان توسعه را موجب ارتقاء مشارکت مؤثر افراد جامعه بیان نموده است (مولیناس، ۱۹۹۸: ۱۳). از دیدگاه چلبی، انجمنهای داوطلبانه نوعی بستر سازی مناسب برای مشارکت اجتماعی را فراهم می آورند. از یک طرف، تشکلهای مشارکتی با جلب همکاری افراد، زمینه اتصال هر چه بیشتر آنها به جامعه را فراهم آورده و مشارکت فرد در امور اجتماعی را افزایش می دهند و از سوی دیگر، با بسط شبکه های اجتماعی و تقویت همبستگی اجتماعی به گسترش مشارکت فعالانه و داوطلبانه افراد جامعه کمک می کنند (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۹۰). با توجه به مباحث ارائه شده در مورد فضای مفهومی مشارکت اجتماعی، می توان هرگونه کنش متقابل آگاهانه، داوطلبانه، جمعی و کم و بیش سازمان یافته افراد و گروهها در جهت اهداف، نیازها و منافع عمومی جامعه را مشارکت اجتماعی تلقی نمود.

دیدگاههای مشارکت اجتماعی ایرانیان

با مروری بر زندگی اجتماعی انسان در ادوار گذشته درمی یابیم که مشارکت در تمام دورانها با مردم بوده و از مسائل مهم و دیرینه زندگی اجتماعی به شمار می آید. کانون خانواده بر پایه مشارکت استوار است. همه ادیان و مذاهب جهانی مشارکت را بستر کوششهای عبادی خود می دانند. مشارکت در قالب شورا در مکتب اسلام نیز واجد اصلی، متین و استوار است.

در زمینه سابقه مشارکت در جامعه ایرانی باید گفت، در ایران باستان و در میان اقوام مختلف آریایی، مشارکتهایی به صورت عشیره‌ای و محلی صورت می‌گرفته است (ایران زاده، ۱۳۷۵: ۲۱).

به طور کلی در ارتباط با مشارکت ایرانیان سه دیدگاه اساسی وجود دارد: در دیدگاه اول، ایرانیان اساساً افرادی فردگرا و غیر مشارکتی معرفی شده‌اند. صاحب‌نظران این دیدگاه معتقدند، روند تاریخی و ساخت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران موجب عدم رشد فرهنگ مشارکت گردیده است (کاتوزیان، ۱۳۷۲). این دیدگاه معتقد است ایرانیان به واسطه ساخت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دارای روحیه فردگرایی و قبیله‌گرایی بوده و اکثریت مردم اعتقادی به مشارکت در تصمیم‌گیریها و امور اجتماعی نداشته‌اند. در واقع، ساختار استبدادی سلطنتی و عدم امنیت اجتماعی ناشی از آن در طی ۲۵ قرن اخیر اجازه مشارکت فعال به توده‌ها را نداده است؛ از این رو گویی، شخصیت قدرت‌طلب، اساس جامعه ایرانی بوده و نوعی روحیه قبیله‌گرایی، اسطوره‌سازی و گریز از قانون، مسئولیت‌پذیری و مشارکت در بین مردم وجود داشته است. لذا «نظام اجتماعی ایران با خصیصه‌های فرهنگی ذهن‌گرایی، اصالت احساسات و اصالت منافع فردی و آنی ترویج می‌گردد» (ایمان، ۱۳۷۶). در دیدگاه دوم، ایرانیان افرادی جمع‌گرا و مشارکت‌جو معرفی شده‌اند که «بدون روحیه و فعالیت مشارکتی اساساً قادر به رشد مراحل تمدنی نبوده‌اند» (مسجد جامعی، ۱۳۷۷: ۱۵). در این دیدگاه میل به مشارکت و انجام کار گروهی یکی از الگوهای فرهنگی قالب در فرهنگ ایران بیان شده است، به گونه‌ای که بنیان‌های مشارکت اجتماعی - فرهنگی مانند تعاون و فرهنگ تعاونی، واحدهای بهره‌برداری جمعی و نیز سنتهای مشارکتی مانند عروسیها و عزاداریها در ایران سابقه‌ای کهن دارد. علاوه بر آن «پذیرش دین مبین اسلام توسط ایرانیان و تأکید این دین انسان‌ساز بر انسجام، مشارکت و همیاری تشکلهایی مانند شوراها، مزارعه، مضاربه، وقف، مشاع و ... را پدید آورده و سبب ایجاد واحدهای جمعی و مشارکتی در جامعه گردیده است» (ابراهیم زاده، ۱۳۷۳).

در دیدگاه سوم به تناقضی مهم در مورد مشارکت ایرانیان اشاره گردیده و معتقد است ایرانیان در عرصه‌های عمومی و اجتماعی، نامشارکت‌جو و در عرصه‌های خصوصی، محلی و مذهبی به شدت مشارکت‌جو هستند (پیران، ۱۳۷۶). در این دیدگاه این نکته مورد توجه قرار گرفته است که ایرانیان در گستره تاریخ خود به علت حاکمیت زورمداری و شناخته‌نشدن به

عنوان شهروندان صاحب حقوق، از عرصه های رسمی اجتماعی چشم پوشیده اند و برعکس در حیطه های خانوادگی، محلی و مذهبی مشارکت ایرانیان فوق العاده بوده است. در مجموع، با توجه به سابقه مشارکت اجتماعی در ایران می توان گفت مشارکت مردمی در جامعه ایران بیشتر به صورت تشکلهای غیر رسمی در جهت مدد رسانی و همدردی و بر محور امور خانوادگی و خویشاوندی، محلی و قومی بوده است. همچنین اغلب شکلهای مشارکت در ساختار ارزشهای مذهبی صورت گرفته و مشارکت مردمی اغلب در صورتی رونق می یافته است که رنگ و بوی مذهب را دارا باشد.

اهداف و سوالات

با توجه به مباحث ارائه شده، هدف اصلی این بررسی شناسایی میزان مشارکت اجتماعی شهروندان جامعه مورد مطالعه و نیز شناسایی ابعاد و الگوهای مشارکت در جامعه مورد نظر می باشد. به عبارت دیگر سؤال اصلی پژوهش عبارت از این نکته است که میزان مشارکت اجتماعی شهروندان شهر کاشان چگونه است؟ و مشارکت اجتماعی شهروندان جامعه مورد نظر با کدامیک از الگوها و یا ابعاد مشارکت قرابت و همخوانی دارد.

روش تحقیق

این مطالعه با استفاده از روش پیمایش اجتماعی^{۳۳} صورت گرفته و برای جمع آوری داده های تحقیق از تکنیک مصاحبه حضوری مستقیم^{۳۴} استفاده شده است. همچنین برای سنجش متغیر مشارکت اجتماعی به لحاظ عملی از معرفهای ارائه شده توسط اندرسون^{۳۵} و مقیاس چین^{۳۶} استفاده شده است. اندرسون موارد عضویت، حضور در جلسات و کمک مالی به فعالیتهای و مجامع مشارکتی را از متداول ترین معرفهای مشارکت بیان نموده است (اندرسون، ۱۹۴۳: ۴۲۰). مقیاس مشارکت اجتماعی چین نیز شامل مقوله های عضویت سازمانی، حضور در جلسات، کمک مالی، عضویت در کمیته ها و داشتن مسئولیت است. همچنان که پارکر^{۳۷} بیان داشته است: «این مقیاس در مطالعه مشارکت اجتماعی عموماً مورد استفاده پژوهشگران قرار گرفته است» (پارکر، ۱۹۸۳: ۸۶۵). همچنین به منظور تعیین اعتبار ابزار گردآوری داده ها از روش های آماری تحلیل

عامل، آزمون بارتلت و مقدار شاخص KMO استفاده شده و نیز برای سنجش روائی طیفهای پرسشنامه، روش محاسباتی آلفای کرونباخ به کار گرفته شده است.

◀ جامعه آماری و نمونه گیری

جامعه آماری مورد بررسی در این مطالعه کلیه افراد واقع در سنین فعالیت (۶۵-۱۵ سال) شهر کاشان می باشند.

با توجه به وضعیت و ویژگیهای جامعه آماری در این مطالعه برای انتخاب نمونه از روش سهمیه ای چند مرحله ای استفاده و پس از آن افراد نمونه به صورت تصادفی ساده انتخاب شده اند. همچنین با استفاده از جداول مربوط به حجم حدی نمونه و فرمول کوکران تعداد ۵۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه تحقیق انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفته اند.

◀ تجزیه و تحلیل یافته ها

با توجه به اهداف تحقیق، داده های پژوهش در دو بخش تعیین میزان مشارکت اجتماعی و نیز ابعاد مشارکت شهروندان تجزیه و تحلیل شده است.

الف) میزان مشارکت اجتماعی

با توجه به شاخصها و معرفیهای سنجش میزان مشارکت اجتماعی شهروندان، موارد عضویت مشارکتی، موقعیت مشارکتی، مشارکت مالی و مشارکت در تصمیم گیری (شرکت در جلسات، تشویق دیگران و فعالیت انتخاباتی) بررسی شده است.

۱- عضویت مشارکتی

میزان و چگونگی توزیع افراد مورد مطالعه بر اساس تعدد عضویت آنها در مجامع مشارکتی به عنوان مؤلفه عضویت مشارکتی در نظر گرفته شده است. مجامع مشارکتی در این پژوهش، تشکلهای و فعالیتهای شرکت تعاونی، اتحادیه یا انجمن صنفی، انجمن اولیاء و مربیان، کتابخانه، انجمن اسلامی، هیئت و جلسات مذهبی، باشگاه یا فعالیت ورزشی، بسیج، مطبوعات، کانون مساجد، فعالیتهای خیریه یا عام المنفعه، کانونهای هنری، هلال احمر، صندوق قرض الحسنه، شورای محل کار یا سکونت و فعالیتهای انتخاباتی را در بر می گیرد. در جدول زیر عضویت مشارکتی افراد مورد مطالعه در مجامع مشارکتی نشان داده شده است.

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی مطلق و درصدی افراد مورد مطالعه بر حسب میزان عضویت در فعالیتهای مشارکتی

میزان عضویت	فراوانی مطلق	فراوانی درصدی	فراوانی تجمعی
کم	۱۸۹	۳۷/۸	۳۷/۸
متوسط	۱۴۹	۲۹/۸	۶۷/۶
زیاد	۱۲۸	۲۵/۶	۱۰۰
جمع	۵۰۰	۱۰۰	-

داده‌های جدول بالا حاکی است که ۳۷/۸ درصد افراد مورد مطالعه از لحاظ عضویت در مجامع مشارکتی عضویت در حد کم، ۲۹/۸ درصد در حد متوسط و ۲۵/۶ درصد عضویت در حد بالایی داشته‌اند.

۲- موقعیت مشارکتی

وضعیت افراد مورد مطالعه بر مبنای موقعیت مشارکتی آنها در فعالیتهای و مجامع مشارکتی هفده گانه فوق بر حسب مقوله عضویت عادی، فعال و دارای مسئولیت با وزنهای یک، دو و سه مورد بررسی قرار گرفته است و توزیع نمره‌های آنها پس از رتبه بندی مجدد در سه مقوله عادی، فعال و دارای مسئولیت به صورت جدول زیر می باشد.

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی مطلق و درصدی موقعیت مشارکتی شهروندان مورد مطالعه

موقعیت مشارکتی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
عادی	۲۶۲	۵۲/۴	۵۲/۴
فعال	۱۷۵	۳۵	۸۷/۴
دارای مسئولیت	۶۳	۱۲/۶	۱۰۰
جمع	۵۰۰	۱۰۰	-

داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد که بیش از نیمی از افراد مورد مطالعه یعنی ۵۲/۴ درصد دارای موقعیت عادی در مجامع مشارکتی هستند و فقط در این مجامع عضویت دارند. ۳۵ درصد دارای موقعیت فعال هستند و فعالیتی فراتر از عضویت صرف را بر عهده دارند و در نهایت تنها ۱۲/۶ درصد آنها در مجامع مشارکتی مورد عضویت دارای مسئولیت هستند.

۳. مشارکت مالی

مشارکت مالی در قالب میزان کمک‌های مالی افراد به مجامع و فعالیت‌های مشارکتی بررسی شده است. در جدول زیر این میزان نشان داده شده است.

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی مطلق و درصدی افراد مورد مطالعه بر حسب میزان

مشارکت مالی

موارد	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
عدم کمک	۱۶۴	۳۲/۸	۳۲/۸
کم	۱۶۳	۳۲/۶	۶۵/۴
متوسط	۱۴۰	۲۸	۹۳/۴
زیاد	۳۳	۶/۶	۱۰۰
جمع	۵۰۰	۱۰۰	-

داده‌های جدول فوق بیانگر این امر است که اکثریت افراد مورد بررسی، یعنی ۶۵/۴ درصد در ارتباط با کمک‌های مالی به فعالیتها و مجامع مشارکتی، هیچ گونه مشارکتی نداشته و یا مشارکت اندکی داشته‌اند. ۲۸ درصد از این نظر در حد متوسط و فقط ۶/۶ درصد آنها در این مورد در حد بالایی مشارکت داشته‌اند.

۴. مشارکت در تصمیم‌گیری

مشارکت در تصمیم‌گیری در قالب سه مقوله شرکت در جلسات مجامع مشارکتی، ترغیب و تشویق دیگران به فعالیت و مشارکت در مجامع فوق و فعالیتهای انتخاباتی، مورد سنجش قرار گرفته است. چگونگی توزیع مربوط به هر یک از این مقوله‌ها به

صورت زیر می باشد.

۱.۴ شرکت در جلسات مجامع مشارکتی

شرکت در جلسات مجامع مشارکتی به عنوان یکی از مؤلفه های مشارکت در تصمیم گیری برحسب سه مقوله شرکت بسیار کم، گاهی و همیشه با وزنه های یک، دو و سه بررسی شده است و توزیع نمره های آنها پس از رتبه بندی مجدد در چهار مقوله عدم شرکت، شرکت کم، گاهی و همیشه به صورت جدول زیر می باشد.

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی مطلق و درصدی افراد مورد مطالعه بر حسب میزان

شرکت در جلسات مجامع مشارکتی

مورد	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
عدم شرکت	۹۲	۱۸/۸	۱۸/۴
شرکت کم	۱۴۵	۲۹	۴۷/۴
متوسط	۱۵۱	۳۰/۲	۷۶/۶
زیاد	۱۰۷	۲۱/۴	۱۰۰
جمع	۵۰۰	۱۰۰	-

داده های جدول بالا حاکی است ۱۸/۴ درصد افراد مورد بررسی در هیچ یک از جلسات مجامع مشارکتی شرکت نکرده اند. همچنین ۲۹ درصد مشارکت در حد کم و ۳۰/۲ درصد مشارکت متوسط داشته اند و ۲۱/۴ درصد در جلسات فوق تا حد زیادی شرکت کرده اند.

۴.۲ ترغیب و تشویق دیگران به فعالیتهای مشارکتی

ترغیب و تشویق دیگران به مشارکت در فعالیتهای و مجامع مشارکتی به عنوان یکی از مقوله های اثرگذار بر مشارکت در تصمیم گیری در نظر گرفته شده است. در جدول زیر میزان مشارکت افراد مورد بررسی در ترغیب دیگران به فعالیت در مجامع مشارکتی نشان داده شده است.

جدول شماره ۵: توزیع فراوانی مطلق و درصدی افراد مورد مطالعه بر حسب ترغیب دیگران به فعالیت در مجامع مشارکتی

موارد	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کم	۲۴۳	۴۸/۶	۴۸/۶
متوسط	۱۵۸	۳۱/۶	۸۰/۲
زیاد	۹۹	۱۹/۸	۱۰۰
جمع	۵۰۰	۱۰۰	-

بر اساس داده های جدول بالا ۴۸/۶ درصد افراد مورد بررسی در ارتباط با ترغیب دیگران به فعالیتهای مشارکتی نقش خاصی نداشته و یا فعالیت کمی داشته اند. همچنین ۳۱/۶ درصد تا حدی فعالیت داشته و ۱۹/۸ درصد تا حدود زیادی در این زمینه فعالیت نموده اند.

۴.۳ فعالیت انتخاباتی

فعالیت انتخاباتی افراد مورد بررسی از طریق میزان فعالیت انتخاباتی آنها در انتخابات انجام شده در چهار سال اخیر یعنی انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان، شورای اسلامی شهر یا روستا و مجلس شورای اسلامی مورد سنجش قرار گرفته است.

در جدول زیر میزان فعالیت انتخاباتی افراد در چهار مقوله عدم فعالیت، فعالیت کم، متوسط و زیاد نشان داده شده است.

جدول شماره ۶: توزیع فراوانی مطلق و نسبی میزان فعالیت انتخاباتی شهروندان مورد مطالعه

فعالیت انتخاباتی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
عدم فعالیت	۲۹۹	۵۹/۸	۵۹/۸
فعالیت کم	۶۶	۱۳/۲	۷۳
متوسط	۸۶	۱۷/۲	۹۰/۲
زیاد	۴۹	۹/۸	۱۰۰
جمع	۵۰۰	۱۰۰	-

داده‌های جدول بالا حاکی است که اکثریت افراد مورد بررسی یعنی ۵۹/۸ درصد در هیچ یکی از انتخابات انجام شده در چهار سال اخیر منتهی به تحقیق، فعالیت انتخاباتی نداشته‌اند، ۱۳/۲ درصد فعالیت انتخاباتی در حد کم، ۱۷/۲ درصد فعالیت متوسط و فقط ۹/۸ درصد فعالیت انتخاباتی در حد بالا داشته‌اند.

با ترکیب مقوله‌های فوق نمره مشارکت اجتماعی - فرهنگی برای هر یک از افراد محاسبه شده است. در جدول زیر توزیع نمره‌های افراد مورد مطالعه در قالب چهار مقوله عدم مشارکت، مشارکت کم، متوسط و زیاد با فواصل برابر نشان داده شده است.

جدول شماره ۷: توزیع فراوانی و درصدی میزان مشارکت اجتماعی شهروندان

میزان مشارکت	فراوانی	درصد
عدم مشارکت	۱۳۸	۲۷/۶۲
کم	۱۳۶	۲۷/۲۲
متوسط	۱۴۵	۲۸/۹۸
زیاد	۸۰	۱۶

یافته‌های فوق نشان می‌دهد ۲۷/۶۲ درصد شهروندان مورد بررسی در فعالیتهای اجتماعی مشارکت خاصی نداشته‌اند. همچنین میزان مشارکت ۲۷/۲۲ درصد کم، ۲۸/۹۸ درصد متوسط و ۱۶ درصد زیاد می‌باشد.

ب) ابعاد و الگوی مشارکت

ابعاد مشارکت اجتماعی شهروندان با توجه به میزان مشارکت آنان در هر یک از تشکلهای و فعالیتهای مشارکتی بررسی شده است. در جدول شماره ۸ میزان مشارکت اجتماعی افراد مورد بررسی در هر یک از تشکلهای و نهادهای مشارکتی آرایه گردیده است.

جدول شماره ۸: توزیع درصدی پاسخگویان بر مبنای وضعیت مشارکت آنان در تشکلهای و مجامع مشارکتی

ردیف	تشکلها و فعاليتها	کم	متوسط	زیاد	جمع
۱	شرکت تعاونی	۷۵/۸	۱۵/۲	۹	۱۰۰
۲	اتحادیه یا انجمن صنفی	۹۳/۴	۳/۸	۲/۸	۱۰۰
۳	انجمن اولیاء و مربیان	۷۷/۴	۱۰/۸	۱۷/۸	۱۰۰
۴	کتابخانه	۵۸	۲۱	۲۱	۱۰۰
۵	انجمن اسلامی	۸۱	۱۰/۲	۸/۸	۱۰۰
۶	هیئت مذهبی	۵۷/۴	۱۶/۶	۳۲	۱۰۰
۷	باشگاه یا فعالیت ورزشی	۷۶	۷/۲	۱۶/۸	۱۰۰
۸	بسیج	۷۷/۶	۱۳/۲	۱۵/۲	۱۰۰
۹	مطبوعات (نشریه، مجله و ...)	۸۵/۴	۹/۴	۵/۲	۱۰۰
۱۰	کانون مساجد	۷۷	۸/۴	۱۴/۶	۱۰۰
۱۱	فعالیت‌های خیریه یا عام المنفعه	۷۵	۱۴	۱۴/۴	۱۰۰
۱۲	کانون‌های هنری و فرهنگی	۸۰/۸	۷/۴	۱۷/۸	۱۰۰
۱۳	هلال احمر	۸۲/۲	۱۱/۶	۶/۲	۱۰۰
۱۴	صندوق قرض الحسنه	۶۹/۴	۱۷/۶	۱۳	۱۰۰
۱۵	جلسات مذهبی	۳۸/۲	۲۳/۶	۳۸/۲	۱۰۰
۱۶	شورای محل کار	۹۰/۸	۵/۶	۳/۶	۱۰۰
۱۷	فعالیت انتخاباتی	۵۹/۸	۳۰/۴	۹/۸	۱۰۰

جدول فوق توزیع درصدی پاسخگویان بر مبنای مشارکت و یا عدم مشارکت آنان در تشکلهای و فعالیتهای اجتماعی مشارکتی را نشان می‌دهد. همان‌گونه که داده‌های جدول نشان می‌دهند بیشترین میزان مشارکت زیاد شهروندان در جامعه مورد بررسی مربوط به موارد مشارکت فرد در جلسات و هیئت‌های مذهبی به ترتیب با ۳۸/۲ و ۳۲ درصد می‌باشد. متقابلاً کمترین درصد مشارکت زیاد پاسخگویان در موارد مشارکت در اتحادیه‌ها یا

انجمنهای صنفی، شورای محل کار و مطبوعات به ترتیب با ۲/۸، ۶/۳ و ۲/۵ درصد مشاهده می شود.

ارقام و درصدهای عدم مشارکت پاسخگویان در گویه های هفده گانه جدول فوق نیز نشان دهنده این امر است که بیشترین درصد عدم مشارکت مربوط به گویه های اتحادیه یا انجمن صنفی، شورای محل کار و مطبوعات به ترتیب با ۴/۹۳، ۸/۹۰ و ۴/۸۵ درصد می باشد. سایر گویه ها درصدهای بین این دو وضعیت را به خود اختصاص داده اند.

وضعیت فوق، بیانگر گرایش بیشتر شهروندان جامعه مورد بررسی به مشارکت در ابعاد مذهبی است. همچنان که فعالیتهای مشارکتی چون اتحادیه صنفی، شورای محل کار و مطبوعات از عرصه هایی به شمار می روند که کمترین میزان مشارکتهای مردمی را دارند. با توجه به این موارد، میزان مشارکت شهروندان در ابعاد مختلف محلی، خانوادگی، مذهبی و امور شهری و مدنی ارائه می گردد.

جدول شماره ۹: توزیع درصدی اولویت های مشارکتی شهروندان در ابعاد مشارکت اجتماعی

موارد	اولویت اول	اولویت دوم	اولویت سوم	جمع
خانواده فامیل	۸۱/۲	۱۲/۴	۶/۴	۱۰۰
مسجد و هیئت مذهبی	۳۰/۲	۵۰/۲	۱۹/۶	۱۰۰
محلّه و همسایه ها	۴۵	۳۶/۶	۱۸/۴	۱۰۰
امور شهر خودم	۱۳/۴	۶۶/۲	۲۰/۴	۱۰۰
هر جای ایران باشد	۱۸/۴	۱۲/۴	۶۹/۲	۱۰۰

همان گونه که یافته های پژوهش نشان می دهد موارد خانواده و فامیل، محلّه و همسایه ها و هیئت مذهبی به ترتیب با ۸۱/۲، ۴۵ و ۳۰/۲ درصد بالاترین درصدهای مربوط به اولویت اول را به خود اختصاص داده اند. امور مربوط به شهر خودم و هر جای ایران باشد فرقی نمی کند، پایین ترین درصد اولویت اول را دارا هستند (به ترتیب ۴/۱۳ و ۴/۱۸ درصد).

متقابلاً، در اولویت دوم و سوم، امور مربوط به شهر خودم به ترتیب ۶۶/۲ درصد و ۱۵/۲ درصد و «هر جای ایران باشد فرقی نمی‌کند» با ۱۲/۴ و ۵۷/۶ درصد بالاترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند.

در مجموع با توجه به لحاظ نمودن موارد اولویتهای اول، دوم و سوم، موارد خانواده و فامیل، محله و همسایه‌ها، مسجد و هیئت مذهبی بیشترین همکاری و مشارکت افراد را به خود جلب می‌نمایند و هر چه از مشارکت در عرصه‌های خصوصی، محلی و مذهبی به مشارکت در عرصه‌های عمومی حرکت می‌کنیم، از گرایش افراد به مشارکت کاسته می‌شود. لذا مشخص می‌گردد که اکثریت افراد مورد بررسی، در عرصه‌های خانواده، محله و امور مذهبی دارای روحیه مشارکت جویی بالا و در عرصه‌های عمومی شهری و ملی نامشارکت‌جو هستند.

نتیجه‌گیری

در ارتباط با پدیده مشارکت اجتماعی داده‌های پژوهش در بخشهای مشارکت در فعالیتها و تشکلهای مشارکتی، سطوح و لایه‌های مشارکت، میزان مشارکت اجتماعی و نیز نوع مشارکت اجتماعی پاسخگویان جمع‌آوری شده است. یافته‌های تحقیق در مورد مشارکت پاسخگویان در تشکلهای و فعالیتهای مشارکتی نشان می‌دهد، بیشترین تشکلهای سازمانهایی که مشارکت افراد را به خود جلب کرده‌اند، تشکلهای هیئتهای مذهبی و محلی با ۳۸۲ و ۳۲ درصد مشارکت می‌باشد و متقابلاً مشارکت افراد در موارد اتحادیه‌ها و یا انجمنهای صنفی، شوراهای محل کار و مطبوعات کمترین درصد مشارکت را به خود اختصاص داده، به گونه‌ای که مشارکت زیاد شهروندان در این موارد به ترتیب ۲/۸، ۳/۶ و ۵/۲ درصد بوده است، در حالی که عدم مشارکت و یا مشارکت بسیار کم در این موارد در بالاترین حد خود یعنی ۹۳/۳، ۹۰/۸ و ۸۵/۴ درصد می‌باشد.

بررسی مشارکت افراد در سطوح و لایه‌های مشارکت اجتماعی پاسخگویان نیز بیانگر این امر است که همکاری و فعالیت در گروه‌ها، حضور در جلسات و فعالیتها و ترغیب دیگران از مراحل عدم فعالیت تا فعالیت زیاد، روند نسبتاً مشابهی داشته است، لیکن در ارتباط با نوع فعالیت، مسئولیت‌پذیری و نیز کمک مالی، درصد مشارکت کنندگان کاهش یافته است. این امر در بخش نوع فعالیت و مسئولیت‌پذیری، با ۵۲/۴ درصد در سطح عدم فعالیت و یا مشارکت کم و تنها ۱۲/۶ درصد در سطح مسئولیت‌پذیری بوده است. در بخش

کمک مالی نیز ۶۵/۴ درصد در سطح عدم فعالیت و یا مشارکت کم و تنها ۶/۶ درصد در این زمینه مشارکت داشته‌اند.

مطالعه مشارکت اجتماعی نشان می‌دهد، ۲۸/۹۸ درصد پاسخگویان دارای میزان مشارکت اجتماعی در حد متوسط می‌باشند، ۲۷/۶۲ درصد مشارکت اجتماعی خاصی نداشته و یا میزان مشارکت آنان در سطح ناچیزی بوده است. همچنین ۲۷/۲۲ درصد دارای مشارکت کم و تنها ۱۶ درصد دارای میزان مشارکت اجتماعی در سطح بالا بوده‌اند. فزونی میزان عدم مشارکت و یا مشارکت پایین نسبت به مشارکت اجتماعی در سطح بالا بیانگر این امر است که میزان مشارکت اجتماعی در جامعه مورد مطالعه در سطح پایین قرار دارد. مطالعه گرایش افراد به مشارکت در عرصه‌های خصوصی، مذهبی و عمومی جامعه، تفاوت بارزی میان گرایش به مشارکت در این دو عرصه را نشان می‌دهد. یافته‌های تحقیق، بالاترین میزان گرایش افراد به مشارکت در امور خانواده و فامیل، محله و امور مذهبی (به ترتیب با ۸۷/۲، ۴۵ و ۳۰/۲ درصد) را نشان می‌دهد. این در حالی است که مشارکت بالا در عرصه‌های عمومی جامعه از جمله امور شهر و کشور به ترتیب ۷/۱ و ۹/۸ درصد بوده است. علاوه بر آن، در مطالعه انواع مشارکت شهروندان در جامعه مورد بررسی، بالاترین میزان مشارکت به مشارکتهای مذهبی اختصاص و مشارکت در سایر عرصه‌های اجتماعی در سطح بسیار پایین قرار داشته است. به این ترتیب مشارکت بالا در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به ترتیب ۹، ۱۲/۳ و ۱۳ درصد بوده است. یافته‌های این پژوهش نتایج مطالعات نظری صاحب نظران در خصوص روند تاریخ سیاسی و اجتماعی جامعه ایران که منجر به مشارکت جویی شهروندان در عرصه‌های خصوصی و مذهبی و مشارکت کم آنان در امور اجتماعی گردیده است را تأیید نموده و با آنها همخوانی دارد.

پرتال جامع علوم انسانی

1. Human Development Report
2. United Nations Development Programme
3. Rahnama
4. Human - Centered
5. Goulet, Denis
6. Midgely
7. Olsen
8. Toqueville
9. Truman
10. Dahl
11. Lipset
12. Kornhauser
13. Serjel
14. Hall
15. Pragmatic
16. Biro, Allen
17. Mykel
18. French
19. Warr
20. Almond. G.A
21. Powel, G.B
22. Participation Activities
23. ElGhonemy, M,R
24. Ornstein
25. Umalel
26. Gaotre
27. Gdy-Daram
28. Gran
29. Oakly
30. Marsden
31. Axelrod
32. Molinas, Jose'R
33. Social survey
34. In person interview
35. Anderson
36. Chapin
37. Parker, Robert

◀ منابع:

- مشارکت، تعاون و توسعه روستایی؛ عیسی، ابراهیم زاده، (۱۳۷۳)، تعاون، شماره ۴۰، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- درگیر ساختن مردم فقیر، پرسش های فراوان؛ آتال، یوکش و الس اوین (۱۳۷۹)، فقر و مشارکت در جامعه مدنی، ترجمه ایرج پاد، چاپ اول، تهران: انتشارات سروش.
- عوامل مؤثر در موفقیت بیشتر مشارکت مردم در توسعه؛ تقی، آزادارمکی؛ (۱۳۷۲) فرهنگ توسعه، شماره ۱۰، سال دوم، تهران: چاپ شقایق.
- بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت در نواحی روستایی شهر کاشان؛ مصطفی ازکیا و غلامرضا غفاری (۱۳۸۰)، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۷، تهران.
- بحران فقر روستایی، آیا مشارکت می تواند آن را از بین ببرد؟ الغنمی، ام.ار (۱۳۷۲)، ترجمه ناصر اوکتایی، فصلنامه روستا و توسعه، شماره پنجم، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات وزارت جهاد سازندگی.
- جامعه پذیری و فرهنگ سیاسی؛ آلموند، گابریل و پاول، بینگهاوم (۱۳۷۵)، ترجمه علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال ۱۱، شماره ۶-۵، تهران.
- مشارکت و حضور سیاسی شهر و ندان؛ آلموند، جی آ و بی جی پاول (۱۳۸۰)، ترجمه علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۶۴-۱۶۳، تهران.
- رهیافت های مشارکت در توسعه روستایی؛ اوکلی، پیتر و دیوید مارسدن (۱۳۷۰)، ترجمه منصور محمودنژاد، انتشارات جهاد سازندگی، تهران.
- محمد اسماعیل انصاری، (۱۳۷۵)، بازشناسی و پیش نیازهای مدیریت مشارکتی در نظام اجرایی، مدیریت دولتی،

شماره ۴۴-۴۳، تهران.

- ابعاد مشارکت در نظام فرهنگی ایران؛ سلیمان ایران زاده، (۱۳۷۵)، **تعاون**، شماره ۵۹، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رفتار انتخاباتی و مشارکت سیاسی مردم در هفتمین انتخابات ریاست جمهوری، محمد تقی ایمان، (۱۳۷۶)، **دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد**، شماره سوم و چهارم، سال سی ام، شماره ۱۱۹-۱۱۸.
- **فرهنگ علوم اجتماعی**، آلن بیرو، (۱۳۷۰)، ترجمه باقر ساروخانی، چاپ دوم، تهران: انتشارات کیهان.
- برنامه ریزی در فرایند توسعه، جی بویل پاتریک، (۱۳۷۴)، ترجمه غلامرضا احمدی و سعید شهابی، تهران: انتشارات ققنوس.
- شهر شهروند مدار، پرویز پیران، (۱۳۷۶)، قسمت اول تا پنجم، **اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، سال یازدهم شماره یازدهم و دوازدهم، شماره های ۱۱۹-۱۲۸، تهران.
- مبانی مفهومی مشارکت زنان روستایی، پرویز پیران، (۱۳۷۶)، **توسعه**، پژوهش های برنامه ریزی و اقتصاد وزارت کشاورزی، تهران.
- **جامعه شناسی نظم**، مسعود چلبی، (۱۳۷۵)، نشر نی، تهران.
- **مشارکت در مدیریت و مالکیت**، محمدعلی طوسی، (۱۳۷۰)، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران.
- **مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران**، حسین عظیمی آرانی، (۱۳۷۳)، تهران: نشر نی.
- نگاهی دیگر به نقش و اهمیت مشارکت و شورادر بهبود مدیریت آموزشی، علی اکبر عظیمی رضانی، (۱۳۷۳)، **فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش**، دوره پنجم، تهران: انتشارات دفتر بهبود مدیریت معاونت برنامه ریزی و نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش.
- **استبداد، دموکراسی و نهضت ملی**، کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۷۲)، تهران: نشر مرکز.
- توسعه مشارکتی، دارام گای، (۱۳۷۱)، چشم اندازهایی از تجربه های توده های روستایی، ترجمه عصمت قائم مقامی، **روستا و توسعه، گزیده مقالات**، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی وزارت جهاد سازندگی.
- مشارکت فرهنگی و فرهنگ مشارکت، مسجد جمعی (۱۳۷۷)، **پیوند**، شماره ۲۳۰ و ۲۳۱، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- **بررسی زمینه های مشارکتی روستایان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی**، علیرضا محسنی تبریزی، (۱۳۶۹)، تهران: انتشارات معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی.
- مشارکت مردم در فرایند توسعه و طرحی برای سنجش میزان آن، یایزید مردوخ، (۱۳۷۳)، **فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه**، شماره ۶، مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، تهران.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سال هفتم، شماره اول

- Anderson W. A (1943) The family and individual social participation, *American sociological Review*, Vol 8 Issue pp 420-424
- Axelrad Muris (1950) Urban Structure and social participation, *American sociological Review*, vol 21, issue 1 pp 13-18
- Goulet Denis (1995) Development (ethics as Guide of Theory and practice London: ted books)
- Lipset Seymour M (1961) political man New York: Doubleday and co. Inc.
- Magaly James et al. (1986) Community participation, social development and the state, London: metlissal.
- of Inequality Gender External Assurance and social capital in Local - Level cooperation world Development vol 26-No 3-4 13-431.
- Molmas Jose R. (1998) The Impact
- marker robert (1983) Improving social participation, *American sociological review*, Vol. 84 Issue pp 864-873
- Rahnima M. (1999) Peoples self Development London: Zed books.

تبیین وضعیت
مشارکت
اجتماعی
شهروندان
کاشان